



پایان نامه:

جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته

زبان و ادبیات فارسی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه علمی زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه:

بررسی تطبیقی ضرب‌المثل‌های کرمانی

با امثال و حکم فارسی

استاد راهنما:

دکتر فاطمه کوپا

استاد مشاور:

دکتر علی محمد پشت‌دار

نگارش:

مرضیه رضازاده

زمستان ۱۳۸۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه پیام نور

مرکز تهران

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه علمی زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه:

جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته

زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه:

بررسی تطبیقی ضرب‌المثل‌های کرمانی

با امثال و حکم فارسی

استاد راهنما:

دکتر فاطمه کوپا

استاد مشاور:

دکتر علی محمد پشت دار

نگارش:

مرضیه رضازاده

زمستان ۱۳۸۸

تشکر و تقدیر

هر چند که از روی کریمان خجلیم آخر چه توان کرد کز این آب و گلیم
در روی جهان نیست چو کرمان جایی کرمان دل عالم است و ما اهل دلیم

خواجوی کرمانی

اینک در پایان تلاش برای پیمودن بخشی از این راه بی انتها، خواهان آن بودم که دستاوردی هر چند کوچک در اختیار شما دوستان زبان فارسی و فرهنگ ایرانی قرار دهم. امید است اثر تقدیمی من به دانش پژوهان و دانشجویان عزیز قدمی باشد کوچک در جهت اعتلای فرهنگ کشور فارسی زبانان ایران.

درود می فرستم بر روان پاک اساتید گرانقدر دیروز این سرزمین، بزرگانی چون علامه دهخدا و استاد بهمینار، سپاسگذارم از اساتید ارجمند امروز، استادان دانشگاه پیام نور به ویژه خانم دکتر کوپا و آقای دکتر پشت دار که مرا با ادبیات گفتاری این مرز و بوم کهن آشنا کردند و خدا را شاکرم که پدری دلسوز، مادری صبور، همسری همراه و دختری مهربان به من بخشید تا سنگلاخ مسیر را برایم هموار سازند.

چکیده

در این پایان‌نامه با موضوع بررسی تطبیقی ضرب‌المثل‌های کرمانی با امثال و حکم فارسی ابتدا به کلیات پرداختم، در این بخش تصویر کلی از پژوهش به مخاطب ارائه کرده، اهداف را مشخص نموده و روش انجام تحقیق را که کتابخانه‌ای و مصاحبه‌ای بود بیان کردم. سپس برای آشنایی ریشه‌ای با موضوع به شرح و بررسی برخی از عناصر مرتبط با پژوهش از جمله فرهنگ عامه، مثل، زبان، گویش و ... پرداختم.

هدف اصلی این پژوهش مشابه‌یابی برای ضرب‌المثل‌های کرمانی بود تا از این راه به شناخت هرچه بیشتر مفهوم، عناصر سازنده و ساختار زبانی مثل‌ها دست یافته و بتوان آن را در اختیار مخاطب قرار داد، برای این منظور ۶۳۰ ضرب‌المثل اصیل کرمانی را انتخاب کرده و جهت بررسی تطبیقی مثل‌ها در ذیل هر کدام ترجمه، توضیح، تطبیق، درپاره‌ای از موارد ریشه‌یابی و نظیر آن را نوشته و در پایان کار هم نتیجه‌گیری از کل پژوهش را ارائه کردم.

کلیدواژه: ضرب‌المثل، کرمان، امثال و حکم

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول:	
۱- کلیات تحقیق.....	۱
۱-۱- مقدمه.....	۲
۲-۱- تعریف مسئله و بیان سؤال‌های اصلی تحقیق.....	۴
۳-۱- سابقه و ضرورت انجام تحقیق.....	۵
۴-۱- فرضیه‌ها.....	۱۰
۵-۱- هدف‌ها.....	۱۱
۶-۱- روش و مراحل انجام تحقیق.....	۱۲

فصل دوم:

۲- تبیین برخی از عناصر مرتبط با پژوهش.....	۱۴
۱-۲- فرهنگ عامه.....	۱۵
۲-۲- تعریف مثل.....	۱۷
۳-۲- ویژگی مثل‌ها.....	۱۹
۴-۲- ارزش مثل.....	۲۱
۵-۲- زبان و کاربرد آن.....	۲۲
۶-۲- زبان فارسی از ابتدا تاکنون.....	۲۴
۷-۲- آشنایی مختصر با کرمان و تاریخ آن.....	۲۸
۸-۲- پیشینه فرهنگی و ادبیات عامه مردم کرمان.....	۳۱
۹-۲- مثل در کرمان.....	۳۴
۱۰-۲- گویش مردم کرمان.....	۳۶

فصل سوم:

- ۳- بررسی تطبیقی ضرب‌المثل‌های کرمانی با امثال و حکم فارسی ۳۹
- ۳-۱- فهرست ضرب‌المثل‌های کرمانی ۴۰
- ۳-۲- تطبیق ضرب‌المثل‌های کرمانی با امثال و حکم فارسی ۶۷
- ۳-۳- واژه‌نامه ۲۵۲
- ۳-۴- خط آوانگار (فونتیک) ۲۷۲
- ۳-۵- نتیجه‌گیری ۲۷۴
- فهرست منابع و مآخذ ۲۷۶

فصل اول:

کلیات تحقیق

۱-۱- مقدمه

بسیاری از دل‌انگیزترین داستان‌ها و خیال‌انگیزترین افسانه‌های جاودانی که هنوز هم زندگی اندوهبار و یا نشاط‌انگیز قهرمانانشان با حیات انسان‌ها در هم آمیخته، از گنجینه پر غنای فرهنگ عوام نشأت گرفته است.

فرهنگ عامه هر کشور یا منطقه حاصل اندیشه، تجربه و دانش پیشینیان آنهاست که در سینه‌ها به حیات خود ادامه داده و به یادگار تقدیم نسل‌های بعد می‌شود. این فرهنگ عامه شامل مجموعه بسیار متنوعی از آداب، ادبیات و اعتقادات عوام است که در کشور ما به لحاظ پیشینه قوی تاریخی، وسعت و تنوع آداب و رسوم و گوناگونی عقاید سنتی و مذهبی بسیار غنی و پربار است.

باتوجه به اینکه تکامل شخصیت و رشد فرهنگی هر فرد تأثیرپذیری مستقیم از محیط فرهنگی پیرامونش دارد و اینکه برای مطالعه و شناخت احوال و روحیات مردم هر کشور، هیچ ابزاری سودمندتر از بررسی فرهنگ عامه وجود ندارد، توجه به امثال و حکم یا ضرب‌المثل‌هایی که بخشی از فرهنگ عامه را تشکیل می‌دهد، نیز می‌تواند یار و مددکار پژوهشگران علوم اجتماعی در این عرصه باشد.

هنر عوام در آغوش جامعه به بار می‌نشیند و پیوندی مستقیم و نزدیک با زندگی روزمره و نیازهای اولیه مردم دارد، از آنجا که نیازهای اولیه همه انسان‌ها در جوامع مختلف یکسان است و جوامع در برطرف کردن این نیازها مراحل مشابهی را پشت سر می‌گذارند، می‌توان در فرهنگ عامه مناطق مختلف شباهت‌های فراوانی یافت.

بسیاری از ضرب‌المثل‌ها بین اقوام و طوایف و حتی بین ملت‌های مختلف با مرزهای جغرافیایی متفاوت مشترکند و تعدادی هم خاص یک ملت یا قوم و طایفه هستند. دقت نظر در کاربرد این امثال و حکم نشان می‌دهد که بیشتر آنها در بین اقوام مختلف ریشه مشترک دارد، و بیانگر این حقیقت است که ادبیات عامه در زمان و مکان حرکت می‌کند و از شهری به شهری و از نسلی به نسلی در گردش است و این امثال گاهی آنقدر به هم شبیه و نزدیک هستند که باور آن مشکل است و این ظن

را تقویت می‌کند که ممکن است اشاعه و رواج آنها از جامعه‌ای به جامعه دیگر از راه‌های مختلف مهاجرت، وام‌گیری، تقلید و... انجام پذیرفته باشد.

در گذشته کوچ‌دادن فرهنگ از جایی به جای دیگر به وسیله انسان‌ها صورت می‌گرفت و بیشترین نقش انتقال فرهنگی را کسانی به عهده داشتند که در میان جوامع و گروه‌ها در حال آمد و شد بودند، ولی در جهان ارتباطات امروز که مرزها درهم نوردیده شده و تعامل فرهنگی جوامع بیشتر شده است و انسان‌ها روابط بیشتری با یکدیگر پیدا کرده‌اند، تبادل اطلاعات و فرهنگ‌ها سرعت و رشد بیشتری یافته است که آشنایی با فرهنگ جوامع می‌تواند ضمن نزدیک کردن این روابط انسانی، شناخت ریشه‌های فرهنگی و روحیات اقوام ملل دیگر را نیز به دنبال داشته باشد و یکی از مؤثرترین شیوه‌ها برای عملی کردن این نیت، مقایسه آن فرهنگ‌ها و شناخت نقاط تشابه و تمایز آنهاست.

علاوه بر این مقایسه و تطبیق فرهنگ و ویژگی‌های فرهنگی یک سرزمین با مناطق دیگر به شناخت بهتر آن سرزمین و درک عمیق‌تر فرهنگ آنجا و همچنین پربارتر کردن آن نیز منتهی خواهد شد.

۲-۱- تعریف مسئله و بیان سؤال‌های اصلی تحقیق

ضرب‌المثل یکی از مظاهر فرهنگ عامه به شمار می‌رود. فرهنگ عامه هر سرزمین حاصل اندیشه و تجربه گذشتگان و نمایانگر اعتقادات و آداب و رسوم مردم آن دیار است. این عنصر فرهنگی و ادبی در کشور ما به علت وسعت و تنوع این عناصر بسیار غنی و پربار است. فرهنگ عامه دیار کرمان نیز با داشتن قدمتی دور و دراز جزئی از فرهنگ این سرزمین است که ریشه در قلمرو فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی آن دارد و این فرهنگ نشانگر تدبیر و تفکر اسلاف و نیاکان ما و به منزله عنصری مؤثر و کارآمد در دانش انسان‌شناسی به شمار می‌رود، از این رو با بررسی ضرب‌المثل‌های رایج این دیار می‌توان با گوشه‌ای کوچک از فرهنگ این سرزمین آشنا شد.

از طرف دیگر بررسی تطبیقی این ضرب‌المثل‌ها با امثال و حکم فارسی، این نکته را آشکار می‌سازد که گاهی اشتراکات فرهنگی و باورهای مردمی باعث می‌شود که مثل‌ها با صورت ظاهری و گویشی متفاوت در مناطق دیگر رواج پیدا کند.

اما براساس آنچه مطرح شد، پژوهش حاضر در پی پاسخ‌گویی به پرسش‌های اصلی و محوری زیر

است:

۱- مثل چیست و پیشینه تاریخی ضرب‌المثل به چه زمانی بر می‌گردد؟

۲- جایگاه مثل در میان مردم کرمان به چه صورت است و تعداد مثل‌های اصیل کرمانی چه میزان

است؟

۳- آیا دیگر امثال رایج در زبان فارسی در کرمان نیز رواج دارند؟

۴- آیا مثل‌های کرمانی با لهجه خاص این منطقه ادا می‌شوند؟

۳-۱- سابقه و ضرورت انجام تحقیق

مثل‌ها یکی از کهن‌ترین تراوش‌های ذهنی و اندیشه‌روشن‌هوشمندان گمنام است که از دور دست‌های تاریخ به یادگار مانده است. گاهی عصاره حادثه‌ای که شاید مدت‌ها طول کشیده و عوارض نیک و بد به بار آورده، در یک جمله گنجانده می‌شود که به آسانی در یادها بماند و بر زبان‌ها جاری شود تا درس عبرتی برای آیندگان باشد. پس ضرورت دارد این گنجینه گرانبها حفظ شود بدان سان که بر اثر تحولات زمان و تغییرات روش زندگی مردم محو نگردد.

در مورد تاریخچه مثل می‌توان گفت که «مثل قدیمی‌ترین ادبیات بشر است. انسان پیش از آنکه شعر بگوید و قبل از آنکه خط بنویسد، اختراع امثال نموده و در محاورات خود به کار برده است، مبدأ پیدایش این نوع سخن به کلی مجهول و تعیین آن محال است، نه تنها مبدأ پیدایش نوع امثال، بلکه اصل و مبدأ بعضی از امثال مخصوصه نیز غیرمعلوم بوده و نمی‌توان تشخیص داد که در چه زمان و از کدام ملت ناشی شده است.» (بهمنیار، ۱۳۸۱: ص ۱۵)

«درباره رواج امثال و حکم در میان اعراب پیش از اسلام جای هیچ‌گونه تردیدی وجود ندارد. نگاهی گذرا حتی به تعلقات سبعه به تنهایی این نکته را به اثبات می‌رساند. در میان ایرانیان پیش از اسلام نیز امثال فراوانی وجود داشته است. آثار ترجمه شده از زبان پهلوی شواهد متعددی از رواج امثال در میان ایرانیان پیش از اسلام را در اختیار ما قرار می‌دهد.» (صرفی، ۱۳۸۲: ص ۵۹)

بررسی آثار شاعران و نویسندگان بعد از اسلام نشان می‌دهد که این آثار مملو از مثل‌هایی است که به صورت جملات ادبی یا اشعار فاخر درآمده و با مهارت و استادی خاصی از شکل عامیانه بیرون آمده‌اند، زیرا در دوران رواج ادبیات کلاسیک، ادبیات عامیانه را به چشم حقارت می‌نگریستند. نظر یک پژوهشگر روسی در این مورد چنین است: «ایرانیان در حالی که ستایشگران رجال ادب خود (حافظ، شیخ بهایی، قآنی) هستند، به ارزش‌های آثار اصیل ملی اصلاً اعتماد ندارند و آشکار است که نسبت بدان‌ها بی‌اعتنا هستند و آنها را چیزی جز حرف مفت و بی‌معنی نمی‌دانند.» (ژوکوفسکی،

۱۳۸۲: ص ۱۶)

اما در مورد جمع‌آوری امثال ایرانی، اولین تلاشی که به طور مستقل صورت گرفت توسط محمد علی هبله رودی اهل هبله‌رود گرمسار یا دماوند بود. وی به سال ۱۰۴۹ هـ در گلکنده (نزدیک حیدرآباد دکن) دست به تألیف کتابی زد که بیش از دو هزار مثل و داستان را شامل می‌شود. این کتاب در سال ۱۳۴۴ هـ ش توسط دکتر صادق کیا تحت عنوان «مجمع الامثال» در انتشارات اداره فرهنگ عامه به چاپ رسید. کتاب دیگر او به نام «جامع التمثیل» یا «مجمع التماثل» است که در سال ۱۰۵۴ هـ در حیدرآباد دکن نوشته شده و تعداد مثل‌ها و داستان‌های آن بالغ بر هزار است.

در همان دوران صفویه، ایرانی دیگری به نام محمد صادق اصفهانی (۱۰۶۱ فوت) فصل هشتم از باب سوم دانش نامه بزرگ خود را به نام «شاهد صادق» که به سال ۱۰۵۴ هـ در هندوستان شروع به گردآوری آن کرده بود، به ضبط ۵۶۰ مثل فارسی اختصاص داد. این فصل «شاهد صادق» در سال ۱۳۴۱ هـ ش در شماره دوم انتشارات فرهنگ عامه به چاپ رسید.

تا اینکه در سده اخیر، علامه علی‌اکبر دهخدا به تدوین «لغت‌نامه» خود پرداخت که یادداشت‌هایی از امثال و حکم را داخل لغات آن کرده بود و به پیشنهاد وزیر معارف وقت، اعتمادالدوله قراگوزلو «امثال و حکم» را از یادداشت‌ها جدا کرد و جداگانه در چهار جلد به سال‌های ۱۳۰۸-۱۳۱۱ در تهران به همت قراگوزلو به طبع رسانید. امتیاز کار دهخدا این است که بیشتر امثال و حکم فارسی و عربی موجود در آثار نظم و نثر قدما را به ترتیب حروف الفبا و با ذکر معانی و کاربرد آنها بیان کرده و ذیل هر مثل، ضرب‌المثل‌های مشابه و هم معنی را ذکر کرده است.

حاج میرزا انصاری نیز در زمینه امثال کتابی با عنوان «جواهرالجواهر» تألیف کرده که شروع کار آن حدود سال ۱۳۱۲ هـ بوده است.

دکتر احمد بهمنیار هم در سال ۱۳۲۳ هـ اقدام به جمع‌آوری مثل‌های فارسی و امثال عامیانه کرمان کرد، اما خود وی موفق به چاپ این اثر نشد و بعد از فوت او فرزندش، فریدون بهمنیار «داستان‌نامه بهمنیاری» را که در برگزیده این مثل‌ها بود، منتشر ساخت. در این کتاب تعداد شش هزار و شانزده مثل همراه با معنی ذکر شده است.

بعد از آن محمد علی جمال زاده «فرهنگ لغات عامیانه» را هم‌زمان با مجموعه «یکی بود، یکی

نبود» حدود سال ۱۳۰۰ هـ تألیف کرد، امیر قلی امینی «فرهنگ عوام»، «هزار و یک سخن» و «داستان‌های امثال» را نوشت که امتیاز فرهنگ عوام این است که فقط امثال فارسی در آن گردآوری شده است. امینی برای اولین بار در تاریخ جمع‌آوری فولکلور ایران شیوه گردآوری فولکلور را در کوچه و بازار به کار برد. او به مدت ۱۸ سال قریب سه هزار مثل جمع‌آوری و در حدود ۲۵۰ مثل داستان‌وار را ذکر کرده است و احمد شاملو «کتاب کوچه» را تألیف کرد که مجموعه‌ای از باورها، افسانه‌ها، مثل‌ها، ترانه‌ها، بازی‌ها، چیستان‌ها و واژه‌های عامیانه برگرفته از فرهنگ اجتماعی مردم تهران است.

از کارهای دیگر معاصران در این زمینه می‌توان به «اندرزها و مثل‌های مصطلح در زبان فارسی» تألیف امیر مسعود خدایار، «ریشه‌های تاریخی امثال و حکم» تألیف مهدی پرتوی آملی، «کاوشی در امثال فارسی» تألیف سید یحیی برقی، «ضرب‌المثل‌های معروف ایران» تألیف مهدی سهیلی، «پند و داستان یاب» تألیف جامی شکیبایی گیلانی و علی محمد حق‌شناس، اشاره کرد.

اما در کرمان، اولین کسی که در زمینه تدوین فرهنگ عامه تلاش کرد، کلنل دیوید لکه‌هارت روبرتسون لریمر (D.L.lorimer) انگلیسی بود. او و همسرش اشعار و داستان‌های مردم کرمان و نواحی آن را جمع‌آوری کرده و آنها را در کتابی به نام افسانه‌های ایرانی در سال ۱۹۱۹ م در لندن چاپ کردند. این کتاب در ایران به نام «فرهنگ مردم کرمان» به کوشش فریدون وهمن به فارسی برگردانده شد.

در سال ۱۳۱۰ حسین کوهی کرمانی کتاب «ترانه‌های ملی» را انتشار داد که در آن اقدام به جمع‌آوری افسانه‌ها و ترانه‌های روستایی کرمان کرده بود، که مورد توجه محافل ادبی قرار گرفت. وی کتاب دیگری نیز با نام «هفتصد ترانه» با مقدمه محمد تقی بهار منتشر کرد.

در مورد ضرب‌المثل در کرمان اولین گام را احمد بهمنیار کرمانی برداشت، وی حدود هزار مثل را جمع‌آوری کرد که قسمت اعظم آنها را از زبان مردم کرمان شنیده بود و همه این موارد را در «داستان نامه بهمنیاری» ضبط کرد که در این کتاب مثل‌های کرمانی در کنار دیگر مثل‌های فارسی آورده شده‌اند.

پس از این افراد، در سال‌های اخیر تلاش‌های درخور تقدیر زیادی در این زمینه صورت گرفته است که از آن جمله‌اند: دکتر ناصر بقایی با کتاب «امثال فارسی در گویش کرمان»، احمد ابریشمی با «فرهنگ نوین مثل‌های فارسی رایج در کرمان»، مه‌ری مؤید محسنی با «گویش مردم سیرجان»، زهرا حسینی موسوی با «ضرب‌المثل‌های شهر بابک»، سید محمد حسینی پوررفسنجانی با «ضرب‌المثل‌ها و کلمات عامیانه رفسنجان» و حسین رفعتی با «هزار مثل جیرفتی» که هر کدام از آنها به نوبه خود در جمع‌آوری ضرب‌المثل‌های کرمانی قدم‌های مؤثری را برداشته‌اند.

در باب لغات و اصطلاحات کرمان و شهرستان‌های آن افرادی چون جمشید سرویشان با «فرهنگ به‌دینان» (اصطلاحات زرتشتی کرمان)، منوچهر ستوده با «فرهنگ کرمانی»، ابوالقاسم پور حسینی با «فرهنگ لغات و اصطلاحات مردم کرمان»، علی بابک با «بررسی زبان شناختی گویش زرنده»، رضا کردی و طیبه حبیبی با «فرهنگ تطبیقی لغات و اصطلاحات کرمان شمالی»، سید جواد برومند با «واژه‌نامه گویش بردسیر»، محمود صراف‌ی با «فرهنگ گویش کرمانی»، محمد انجم شعاع با «رایج‌ترین اصطلاحات و گویش‌های کرمان»، زهرا حسینی موسوی با «فرهنگ واژگان و کنایات شهر بابک»، اسلام نیک نفس دهقانی با «بررسی گویش جیرفت و کهنوج» و محمد جواد اسدی گوکی با «فرهنگ عامیانه گلبافت» تلاش‌های ارزنده‌ای کرده‌اند.

در زمینه تطبیق ضرب‌المثل‌ها می‌توان به مقاله دکتر مهدی محقق در مجله وحید که یکی از نخستین گام‌ها در تطبیق بین‌المللی ضرب‌المثل‌ها و جستجو در ریشه و منشأ واحد آنهاست اشاره کرد، عنوان این مقاله «پنجاه ضرب‌المثل انگلیسی و معادل آن در عربی و فارسی» است.

از کارهای دیگر در این زمینه «تحفة الامثال» است که فخرالدین طباطبایی در آن امثال فرانسه را به فارسی ترجمه کرده است، «امثال و حکم انگلیسی» تدوین احمد ترکزاده که در آن مثل‌های انگلیسی با فارسی مقایسه شده است، «ضرب‌المثل‌های جهان» تألیف مهرداد مهرین که از میان هزاران ضرب‌المثلی که در میان ملت‌ها رواج دارد معدودی را گلچین کرده است، «امثال انگلیسی به فارسی» تألیف عباس محتشم نوری که برگردان دویست و دوازده مثل فارسی و یا معادل مثل‌های فارسی در انگلیسی آورده شده است، «بررسی تطبیقی امثال و حکم فارسی و عربی» دکتر محمدرضا صرفی و

«بررسی تطبیقی ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات قرقیزی و فارسی» از خانم تاگایوا آلتینای.

همچنین دانشجویان دانشگاه‌ها به عنوان پایان‌نامه، بررسی تطبیقی ضرب‌المثل‌ها را انجام داده‌اند که از آن جمله است، «بررسی تطبیقی ضرب‌المثل‌ها، تمثیلات و کنایات کهگیلویه و بویراحمد با امثال و حکم فارسی» از حسین آذرشب «مقایسه ضرب‌المثل‌های فارسی و یمنی» از عبدالله محمد ناجی بنیان، «تطبیق ضرب‌المثل‌های مازندرانی با ضرب‌المثل‌های فارسی» از زهره عالیشاه افراچالی. اما همه کارهای انجام شده به منزله مثنی از خروار است و هنوز جای تحقیق و پژوهش فراوانی در این زمینه وجود دارد.

از طرف دیگر تا به حال کتاب و پایان‌نامه‌ای به صورت جداگانه به موضوع تطبیق ضرب‌المثل‌های کرمانی با امثال و حکم فارسی نپرداخته است؛ از آن جایی که این امر به شناساندن بهتر مثل‌های کرمانی کمک کرده و تشابهات فرهنگی مناطق مختلف این مرز و بوم را آشکار می‌سازد، پژوهشی مستقل در این زمینه در خور و ضروری به نظر می‌رسد.*

*- در تدوین مطالب این بخش از بخش پنجم کتاب مثل‌شناسی و مثل‌نگاری و مقدمه کتاب تحلیل مضامین اجتماعی ضرب‌المثل‌های رایج در کرمان و همچنین از اطلاعاتی که طی این پژوهش به دست آمده، استفاده شده است.

۱-۴- فرضیه‌ها

فرضیه‌های پژوهش عبارتند از:

- ۱- به نظر می‌رسد، مثل جمله‌ای کوتاه و در عین حال پر محتوی باشد که یادگار پیشینیان ماست و قدمت تاریخی مثل به زمانی برمی‌گردد که بشر زندگی اجتماعی را تجربه کرد و دانسته‌های خودش را به دیگران انتقال داد.
- ۲- مردم کرمان علاقه وافری به بیان مثل دارند و از زمان‌های دور کاربرد مثل در میان آنها رواج داشته است چنانچه در میان مثل‌های رایج در کرمان به تعداد متناهی از مثل‌ها برخورد می‌کنیم که خاص این منطقه است.
- ۳- اغلب مثل‌های رایج فارسی در کرمان نیز رواج دارد که تحت تأثیر گویش و فرهنگ مردم این منطقه تغییراتی در آن پدید آمده است.
- ۴- هر چند مردم کرمان لهجه مخصوص خود را حفظ کرده‌اند، اما بسیاری از واژه‌ها و مفردات خاص این منطقه فراموش شده و یا در حال فراموشی هستند که باتوجه به کنار گذاشته شدن پر شتاب آنها مثل‌ها نیز دستخوش تغییراتی شده‌اند.

۱-۵- اهداف

فرهنگ عامه قدمتی به درازای عمر انسان دارد و همانند درختی تنومند ریشه در باورهای مردم جامعه دارد و میوه‌اش تجربیات آنهاست که به یادگار به دست آیندگان می‌رسد، وظیفه ما حفاظت از این درخت و پربارترکردن آن است.

مؤلف پژوهش حاضر نیز همانند هر انسان وطن‌پرست دیگر به دلیل عشق و وابستگی دیرین به فرهنگ دیار خود و علاقه و دلبستگی ویژه به حفظ و حراست و تلاش در جهت پربارترنمودن این فرهنگ، بر آن بوده است تا با برداشتن گامی هر چند کوچک در این مسیر تا آنجا که بتواند دین خویش را به فرهنگ سرزمین خود ادا کند و با گردآوری برخی از مثل‌های اصیل کرمانی و توضیح ریشه‌یابی آن مخاطب را با ساختار زبانی و گویش خاص آن آشنا سازد و در ادامه با تطبیق این مثل‌ها با امثال مشابه آن در دیگر گویش‌های زبان فارسی، پرده از فرهنگ و آداب و رسوم فراموش شده این سرزمین بردارد.

۱-۶- روش و مراحل انجام تحقیق

اولین قدم در روند انجام این پژوهش تهیه منابع مرتبط با آن بود که به دلیل نوع کار یعنی بررسی تطبیقی شواهد و امثال، منابع نسبتاً زیادی مورد بررسی و تفحص قرار گرفت. برای دستیابی به منابع مرتبط با مثل‌های کرمانی با مراجعه به مرکز کرمان‌شناسی در شهرستان کرمان، کتاب‌های چاپ این مرکز تهیه و گردآوری شد، به جز این، کتاب‌های موجود در کتابخانه مرکز نیز مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفت. همچنین با مراجعه به کتابخانه ملی و باغ موزه هنرهای این شهرستان، اطلاعات بسیار مفیدی به دست آمد و با همکاری سازمان صنایع دستی فصل‌نامه پژوهشگران فرهنگ نیز مورد استفاده قرار گرفت.

در رابطه با تهیه بقیه منابع با پی‌گیری آدرس محل فروش آنها از طریق سایت‌های اینترنتی به کتابفروشی‌ها مراجعه شد و در یک مورد نیز با برقراری ارتباط با مؤلف کتاب «آقای ابریشمی» منبع مورد نظر تهیه شد. در ادامه نیز با مراجعه به کتابخانه‌های متعدد و یاری جستن از مؤلفانی که پیش از این دستی در این کار داشتند، کار تهیه مراجع و منابع مکتوب به انجام رسید.

باتوجه به موضوع این پایان‌نامه، منبع بی‌نظیر دیگری نیز وجود داشت که همان محفوظات ذهنی مردم خونگرم آن خطه است، از این رو مؤلف با اغتنام فرصت و استفاده از موقعیت در زمینه توضیح مثل‌ها، درک منظور اصلی مثل، ریشه‌یابی و همچنین بیان گویش اصیل آنها اطلاعات بسیار خوبی از این گروه کسب نمود.

در مورد شیوه تدوین مثل‌ها و تطبیق آنها با مثل‌های فارسی ابتدا ۶۳۰ ضرب‌المثل اصیل و پر کاربرد که معادل فارسی آن وجود داشت، انتخاب شد. این مثل‌ها عمدتاً از کتاب‌های «داستان نامه بهمیناری»، «امثال فارسی در گویش کرمان»، «فرهنگ نوین مثل‌های فارسی رایج در کرمان»، «گویش مردم سیرجان»، «ضرب‌المثل‌های شهر بابک»، «هزار مثل جیرفتی» و «ضرب‌المثل‌ها و کلمات عامیانه رفسنجان» استخراج شد و برای تطبیق آنها عمدتاً از کتاب‌های «امثال و حکم» و «داستان نامه بهمیناری» استفاده شد و بقیه کتاب‌ها در صورتی مورد استفاده قرار گرفت که مشابهی برای مثل در

این دو کتاب یافت نشد. برای توضیح امثال باتوجه به معانی که در این کتاب‌ها برای مثل‌ها آورده شده بود، هر مثل معنا شد، در نهایت ریشه‌یابی برخی از مثل‌هایی که دارای پیشینه داستانی و تاریخی بودند، مورد توجه قرار گرفت.

برای نوشتن ضرب‌المثل‌ها سعی شده نزدیک‌ترین ضبط به لهجه کرمانی انتخاب شود و هنگام تطبیق ضرب‌المثل‌ها سعی مؤلف بر آن بوده است که معادل‌یابی آنها حتماً از سه کتاب ذکر شده صورت بگیرد و در غیر این صورت شواهدی از کتاب‌های دیگر ذکر شود، گفتنی است که برخی از ضرب‌المثل‌ها به دلیل عدم درج در منابع مکتوب و نقل از اقوال محاوره فاقد مرجع یا منبعی خاص است.

برای یافتن معنی واژه‌های کرمانی به کتاب‌های «فرهنگ لغات و اصطلاحات مردم کرمان»، «فرهنگ تطبیقی لغات و اصطلاحات کرمان شمالی» و «رایج‌ترین اصطلاحات و گویش‌های کرمان» مراجعه شد و همچنین در بعضی موارد از توضیحاتی که ذیل مثل‌ها آمده بود، استفاده شد و برای یافتن معنی واژه‌های دشوار از «فرهنگ فارسی» استفاده شد.